

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political-Social

سیاسی - اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۴

از افغانستان هست، اما افغان نیست!!!

افغان نیست، اما از افغانستان هست!!!

عنوان مقاله به معما و چیستان شباهت دارد؛ ولی در هر صورت در تناقض صریح با تعریف متعارف "افغان" جلوه میکند؛ زیرا هر کس را که از "افغانستان" است، "افغان" مینامیم؛ چون تعریف کوتاه، شعارگونه و حتی مثلگونه از تعامل موجود و عینی مردم ما اینست که:

"هرکه از افغانستان است، افغان هست!!!"

پس معما را چه گونه حل کنیم و جواب این چیستان را چه قسم بدهیم؟؟؟

شعار "هرکه از افغانستان است، افغان است" را که من در هیئت جزمی و مؤکدش درآورده و "هرکه از افغانستان است، افغان هست!!!" میخوانم و میدانم و میگویم، "مثلگونه" شمردم؛

چرا؟؟؟

برای این که تمام خواص و خصوصیات یک مثل و ضرب المثل در آن جمع شده است:

– کوتاه و موجز و صریح و خوشاهنگ و خوشبیاں است

– ورد زبان خاص و عام و عالی و دانی و دانا و کمدان این ملک است؛ و پیامش عامشمول

– مهر اجتماعی و رسمی و قانونی هم خورده است

و من پیشگوئی میکنم، که این جمله خوشنمای و پُرنطنه که امروز حکم وجیزه و شعار را دارد، فردا جامه و کسوت و دثار مثل را بپوشد و جزء "ضرب المثلهای مردم افغانستان" به

حساب آید!!!

ولی برویم سر اصل گپ، که در عنوان تبلور یافته است:

هر ملت از فرهنگ و تاریخ و افتخارات و دستاوردهای خود زنده است و بر آن نه تنها منعم است، بلکه بدان میبالد و فخر میکند. از افتخارات این سرزمین میگوئیم؛ وقتی میگوئیم:

– خداوندگار بلخ، مولانا جلال الدین رومی، از ماست!!!

– ناصر خسرو و عنصری و فرخی سیستانی و حنان سیستانی و سنائی و هجویری غزنوی و حسن میمندی (میوندی) و بوالفضل بیهقی و ابوالفتح بُستی و عبدالله انصاری و محمد جُوینی و جامی و صدهای دگر تا سید جمال الدین افغان، مربوط همین خاک پاک هستند!!!

این ناموران از همین خاک برخاسته اند و جزء افتخارات تاریخی ما شمرده میشوند؛ همان قسمی که فردوسی و منوچهری و سعدی و حافظ و ... از سرزمین "**ایران امروزی**" برخاسته اند و مربوط به همین "**ایران**" اند!!!

البته که افتخارات فرهنگی و علمی را در صورت عام و به قسم غیر مستقیم، مربوط منطقه و حتی بشریت باید دانست.

درین نوشته سخن بر سر افتخارات خود ماست؛ در ساحة دانش و ادب و فرهنگ. سخن بر سر انتساب به خاک افغانستان و "**افغان بودن**" اینان است. بعض نویسندگان، بزرگان قبل از تأسیس "**افغانستان**" را هم "**افغان**" میدانند؛ آیا این گپ درست است و مثلاً عنصری و فرخی و سنائی و مولوی و جامی و ... "**افغان**" بوده اند؟؟؟ من با این نوع تسمیه کاملاً موافق نیستم؛ چرا:

"**کاملاً**" را قید کردم؛ چون اگر با منطق برادران ایرانی ما بسنجیم – که به فرموده ملک الشعراء استاد اسیر "**همه کس ایرانی ست**"* میگویند و همه کس از منطقه را "**ایرانی**" قلمداد میکنند – منطبق با این منطق صد درصد حق داریم، آن بزرگان قبل از تأسیس "**افغانستان**" را نیز "**افغان**" بدانیم!!!!!!

اما اگر منطق اصولی و راستین را به جای منطق پوشالی و کذائی و دیسی، مشعل و پرتوافکن فکر و اندیشه خود بسازیم، باید موضوع را طور دیگر فارمولبندی کنیم؛ و طوری فارمولبندی کنیم که:

"نه سیخ بسوزه و نه کباب!!!"

یعنی هم حق به حقدار برسد و هم واقعیتها پایمال نگردند. ازین رو فارمولبندی من همان است، که در عنوان این مقاله جای گرفته است:

«این بزرگان از افغانستان بودند، مگر افغان نبودند!!!»

یا

«این بزرگان افغان نیستند، مگر از افغانستان هستند!!!»

سرزمین جایی نگریخته است و پای برجای است؛ که مُدام چنین است و چنین خواهد بود. اما هر سرزمین در طول تاریخ خود میتواند نامهای مختلف داشته باشد؛ یعنی که نامها می آیند و میروند. پس انتساب به حساب "سرزمین" همیشه درست است. انتساب به حساب نام باشندگان یک سرزمین، تنها وقتی درست است، که آن سرزمین در طول تاریخ خود فقط یک نام داشته باشد!!!

فرض کنیم که مردم ما وقتی به تغییر دادن نام کشور خود تصمیم بگیرند و مثلاً نام مملکت خود را "X - ستان" و یا "Y - ستان" بگذارند. اگر چنین شد، نباید افتخارات و افراد افتخارآمیز قبلی را "X" یا "Y" گفت؛ در حالی که همین افتخارات و همین افراد افتخارآمیز را مربوط به "سرزمین X ها" و "سرزمین Y ها" دانستن، در هر حال و همه احوال صادق است!!!! پس باید متوجه طرز بیان و فارمولبندی منطقی بود؛ و عنصریها و فرخیها و ناصرخسروها و بیهقیها و سنائیها و فخر رازیها و رومیها و جامیها و غیرهم را مربوط به "سرزمین افغانان" و از "افغانستان" دانست و خواند، نه "افغان"!!!!

توضیح:

* - استاد سخن، فخر الشعراء و ملک الشعراء محمد نسیم "اسیر" منظومه ای دارند زیر عنوان "همه کس ایرانی ست"، که صفحه ۱۲ فبروری ۲۰۰۹ "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را مزین ساخته است. اینک همان منظومه با مقدمه منثورش، جهت انبساط خاطر خواننده گرامی، از نظر گذشتانده میشود:

همه کس ایرانی ست!!!

برادران و دانشمندان همسایه غربی ما ایران، چه عالمانه و ماهرانه در جست و جوی افتخارات تاریخی خود هستند و چه موشگافانه آنها را ردیابی کرده و تا دست از پا خطا نخورده به جهان معرفی میکنند. در نشریه ۲۶ اردیبهشت [۷ البرز] با نقل قول از [ایتار تاس] نوشته اند، که نظر به تحقیقات تاریخی دانشگاه M.I.T باراک اوباما ذاتا از اهل جنوب ایران و شیعه میباشد. با مطالعه این "حقیقت" بر دانشمندان ایران و علاقه مندی به وطنشان حسرت خورده و بر غفلت و بی توجهی خود تعجب کردم، که چرا ما نمیتوانیم در

پیدا نمودن مردان نامور خود تلاش کرده، به جهان معرفی و افتخار کمائی نمائیم. حاصل این حسرت و تعجب شعری شد که ذیلاً از نظر دوستان این سلسله میگذرد.

درین دنیای بی پایان چه شیخ و شاب ایرانی ست	هر آنچه هست در این عالم اسباب ایرانی ست
تمام پیشوایان جهان از جنس مرد و زن	که باشد نامدار و صاحب القاب ایرانی ست
به چشم کم مبین این افتخار و این فخامت را	که در هر گوشه از اوتاد و از اقطاب ایرانی ست
ز دانشمند و دانشجو به چندین قاره عالم	به هر پیمانه ای تا میکند ایجاب ایرانی ست
به دور کُره خاکی اگر گردی شود بالا	رسد گرد در دل خورشید عالمتاب ایرانی ست
زمین گرد است و دور خویش گرداگرد میگردد	به هر که بنگری مصروف این گرداب ایرانی ست
به دنیای تحرک، هر کجا جنبنده ای بینی	اگر بیدار، ایرانی و گرد در خواب ایرانی ست
اگر زن نامور بینی به هند و سند و در بنگال	و گرد مرد دلیر گنده در پنجاب ایرانی ست
مگو در باب مولانا و یاسید جمال الدین	سنائی و ابی سینا ز چندین باب ایرانی ست
خلیلی و خلیل و قاری و مستغنی و شایق	ندیم و واصل و سلجوقی و بیتاب ایرانی ست
به واتیکان نظر کن شوکت و شان نصاری را	نمیدانی که از عمری ست چندین پاپ* ایرانی ست
خدا روزی که پیدا کرد دارا و سکندر را	به هر دو داده این نعمت که مام و باب ایرانی ست
همین بیچاره مایکل جکسن برگشته بخت امروز	که روزی با مهارت مینمود آلاب، ایرانی ست
به یاد کس نمی آید چه سان آخـر، نمیدانم	جوانمردی که پا مانده ست در مهتاب ایرانی ست
شنیدم مرد دانائی همیگفت این حقیقت را	که پیغمبر به نسل و ذریه و انساب ایرانی ست
به اوباما دهید این مژده، شاید بی خبر باشد	که بابایش ز ایران است و خود هم ناب ایرانی ست

[اسیر] این طنز را بنوشتم و زان روز میترسم

بگویند که این بیچاره بیتاب ایرانی ست

* از نکته سنجان محترم در تغییر قافیه [ب] به [پ] روی ضرورت شعری معذرت میخوام.